

پس از چاپ بخش نخست مقاله «نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم، از آیت الله مکارم شیرازی» در شماره نهم مجله بیانات، جوابیه ای در شماره بعد همان مجله درج گردید. به دلیل کافی نبودن آن جوابیه، در سطور زیر برخی نکات را متذکر می شوم.

مؤلف جوابیه از پاسخ به چهل اشکال روشن و صریح خودداری کرده اند و آورده اند: «در این پاسخ به همه موارد نمی پردازم، بخشی را یاد می کنم و بقیه را به اصول و ضوابطی که ارایه می دهم وامی گذارم». مهم ترین ضابطه ای که بدان اشاره کرده اند، همان مفهوم به مفهوم بودن ترجمه است. اما مگر همه اشکالات بی پاسخ را می توان با این ضابطه حل کرد؟ مفهوم به مفهوم بودن ترجمه، افتادگی های فاحشی چون **اِنَّ كُنَّا فَاعِلِينَ** (انبیاء/ ۲۱/ ۱۷)، **وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ** (نور/ ۲۴/ ۳۵) و جز آن را توجیه نمی کند. با کمک گرفتن از این ضابطه نمی توان **اِنَّ مَخْفَفَهُ** از ثقیله را به صورت شرطیه ترجمه کرد (اشکال ۳۲)؛ نمی توان یک منادا را خبر جمله قرار داد (اشکال ۳۱)؛ **يَا اَوْ** (مركب از همزه استفهام و واو عاطفه) را به گونه **اَوْ**

توضیحی درباره يك جوابیه

مرتضی کریمی نیا

«یکدیگر» در آن عبارت، ترجمهٔ «بینکم» نیست بلکه ترجمهٔ «کُم» در «اموالکم» است. هیچ دلیلی محکم‌تر از عمل خود مترجم محترم نیست. ایشان همین آیه را در بقره/۲/۱۸۸ چنین ترجمه کرده‌اند: «اموال یکدیگر را به باطل (و به ناحق) در میان خود نخورید». بنابراین یا ترجمهٔ نساء/۴/۲۹ چیزی کم دارد و یا برگردان بقره/۲/۱۸۸ چیزی اضافه دارد.

آوردیم که در ترجمهٔ **وَالْقَوَا الیکم** **السَّلْم** (نساء/۴/۹۰) «پیشنهاد صلح کردند»، کلمهٔ «الیکم» ترجمه نشده است. مولف جوابیه، این بار نیز ترجمه‌ای نادرست و ناپسند را به ناقد نسبت داده، در دفاع از ترجمهٔ استاد گفته‌اند: «در مفهوم «پیشنهاد» القاء به سوی طرف، به صورت زیبایی آمده است». در تقریر نظر مخالف، اصلاً لازم نبود چنان ترجمهٔ لفظ به لفظی را به ناقد نسبت دهند. کافی بود به یکی از ترجمه‌های معاصر مراجعه می‌کردند و می‌دیدند که دیگران چگونه «الیکم» را ترجمه کرده‌اند: «با شما طرح صلح افکندند» (قولادوند)؛ «به شما پیشنهاد صلح و آشتی دادند» (مجتبوی). افزون بر این، در مفهوم «پیشنهاد»، القاء به سوی کدام طرف آمده است؟ طرف من،

(حرف تردید و تنويع) برگردانید (اشکال ۳۹)؛ و یا از فاء در «فالحق» معنای سوگند بیرون کشید (اشکال ۴۱) و... شاید هم بتوان چنین کرد، اما دست کم مولف جوابیه، راه حل خود را مطرح نکرده‌اند و اگر چنین می‌کردند، خوانندگان و دوست‌داران قرآن را نکاتی بسیار مهم می‌آموختند.

پاسخگوی محترم در طی سه نکته، پاسخ‌هایی را ارائه کرده‌اند:

۱. در نکتهٔ اول، از میان ۲۵ افتادگی کوچک و بزرگ، ۶ مورد را توجیه کرده‌اند و از پاسخگویی به افتادگی‌های فاحش سرباز زده‌اند. وجه مشترک پاسخ در این ۶ آیه آن است که ترجمهٔ مترجم محترم در همه جا مفهوم به مفهوم است و اساساً چنین حذف‌هایی از محسنات ترجمه است نه عیبی بر آن. دربارهٔ حذف «بینکم» در ترجمهٔ جملهٔ **لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل** (نساء/۴/۲۹) «اموال یکدیگر را به باطل نخورید»، گفته‌اند: «کلمهٔ «یکدیگر» دقیقاً معنای «بینکم» را می‌رساند» و از قول ناقد آورده‌اند: چرا ننوشته‌اید: «اموال شما را در میان شما بباطل نخورید». اولاً این جمله را بنده هرگز نگفته‌ام. ثانیاً

ما، شما، او یا آنها؟

افتادگی‌ها در ترجمه یاد شده بیش از آن است که در بخش نخست مقاله نقد آمده است و مواردی که نویسنده جوابیه پاسخ نگفته‌اند و بسیاری دیگر را نمی‌توان به بهانه مفهوم به مفهوم بودن ترجمه توجیه کرد. فی‌المثل در آیه و ما ارسلنا من قبلك من رسولٍ ولا ننبی (حج/۲۲/۵۲)، دلیلی وجود داشته است که خداوند تعالی هم «رسول» را آورده است و هم «نبی». اما اگر مفهوم به مفهوم بودن ترجمه، اقتضای می‌کند که در ترجمه این جمله بنویسیم: «هیچ پیامبری پیش از تو نفرستادیم» - همچنان که مترجم محترم چنین کرده‌اند - در این صورت باید اعتراف کنیم که خود را ملزم به رعایت امانت در کلام خداوند نمی‌دانیم.

در چهار جای دیگر که مولف جوابیه، حذف‌های ترجمه را توجیه کرده‌اند نیز قصه همین است. حذف ضمائر، جار و مجرورها و کلمات مکرر در صورتی جایز است که در زبان مقصد، هیچ مقتضی و جایگاهی برای آن‌ها وجود نداشته باشد. مثلاً در ترجمه فارسی عبارت «ببینی و بینک» (کهف/۱۸/۷۸)، نمی‌توان گفت:

«میان من و میان تو» بلکه باید گفت: «میان من و تو»، زیرا «بین» دوم در زبان فارسی مقتضی ندارد. اما آن حذف‌های کوچک و بزرگ در ترجمه‌ای که مدعی دقت و احکام است و می‌خواهد «پایه‌ای باشد برای ترجمه‌های دقیق‌تر قرآن به زبانهای دیگر جهان»، بی‌دقتی است.

۲. نکته دوم مولف جوابیه چنین است: «عقیده حضرت استاد این است که هرگز در یک ترجمه خوب نباید مقید بود که حال به صورت حال و صفت به صورت صفت و خبر به صورت خبر ترجمه شود» سپس در توجیه ترجمه دو آیه گفته‌اند: «ان هدی الله هو الهدی» (بقره/۲/۱۲۰) در ترجمه استاد آمده است: «هدایت، تنها هدایت الهی است» ظاهراً مبتدا و خبر جابجا شده ولی مفهوم به طور کامل و به صورت زیبا حفظ شده است؟» و افزوده‌اند: اگر ترکیب عبارت قرآن را رعایت کنیم «نه تنها برای فارسی زبانها سلیس نیست بلکه ممکن است باعث اشتباه در مفهوم شود» غافل از آنکه مترجم محترم خود در جای دیگر (انعام/۶/۷۱) همین جمله را درست ترجمه کرده‌اند: «تنها هدایت خداوند، هدایت است». تمام حجت این است که باید در

«تفسیر» آن را دریابیم، همانند مولف جوابیه، تفاوت‌ها و تضادهای ترجمه را از محسّنات آن نمی‌انگاریم. عاقبة الامر، «صابئین» یا ستاره پرستان اند و یا پیروان حضرت یحیی علیه السلام و بی‌تردید خداوند هر دو را اراده نکرده است. ترجمهٔ «اسباط» و موارد دیگر نیز چنین است. از آنجا که در بخش «ه» از مقالهٔ نقد، شرح مبسوطی از این مطلب آمده است، تفصیل دیگری در میان نمی‌آوریم. از توجه و عنایت مولف محترم جوابیه، به مقولهٔ نقد ترجمهٔ قرآن سپاسگزاری می‌کنم. امیدوارم چنین مباحثی در اصلاح بهبود وضع ترجمه‌های قرآن سودمند افتد.

ترجمهٔ خود، میان **اِنَّ الْهَدٰى هُدٰى اللّٰه** (ال عمران/ ۷۲/۳) و **اِنَّ هُدٰى اللّٰه هُوَ الْهَدٰى** (بقره/ ۱۲۰/۲ و انعام/ ۷۱/۶) تفاوتی بنهیم. می‌بینیم که در یک ترجمهٔ دقیق، جابه‌جا کردن مبتدا و خبر و «حفظ مفهوم به طور کامل و به صورت زیبا» چندان آسان نیست، همچنان که این عمل در خود قرآن کریم روا نیست.

مورد دوم **وَيَمْدَهُمْ فِي طَغْيَانِهِم يَعْمَهُونَ** (بقره/ ۱۵/۲) است. ترجمهٔ حال (= یعمهون) به گونهٔ سببی نادرست است. باید گفت: «آنها را سرگردان در طغیانشان نگه می‌دارد». «سرگردان» در این جمله، همان جایگاه حال در زبان عربی را دارد. اما اگر مانند مترجم محترم بگوییم: «آنها را در طغیانشان نگه می‌دارد تا سرگردان شوند» نه مفهوم آیه را - به اعتقاد مولف جوابیه - منتقل کرده‌ایم و نه روح آیه را - به اعتقاد ایشان - حفظ کرده‌ایم. ضمناً وقتی نویسندهٔ جوابیه خواسته‌اند نظر مقابل خود را منعکس کنند، مطابق معمول بدترین نوع ترجمهٔ جملهٔ حالیه را به ناقد نسبت داده‌اند.

۳. به نکتهٔ سوم می‌رسیم. اگر تفاوت میان «ترجمهٔ دقیق و امین» قرآن کریم و